

مبارزه روی آب

مبارزه روی آب

خیابان؛ می‌شود خیلی راحت سراغ گوگل رفت تا تعریفی از خیابان و تقسیمات سراغ خیابان‌ها برویم خیلی کاری به جنس آسفالت و نحوه جدول بندی و این قبیل مکان و بستری برای پیشرفت قصه می‌شود. در واقع داستان نویسنده با استفاده از کارکرد خیابان را به نمایش درآورد. به‌طور مثال خیابان از آنجا که مسیر تردد و کرد که در آن خواننده متوجه حرکت در فضای داستان شود و متوجه شود اتفاقا اما آنچه در این گزارش اهمیت دارد خیابان به‌عنوان محلی برای بروز رفتارهای مبارزان سال‌های انقلاب است. خیابان به‌عنوان یک بستر روایی در نظر گرفته شده و از کارکردهای فنی و عمرانی‌اش فراتر رفته است. خیابان روی داده داستان‌هایشان را در این محیط خلق کرده‌اند. داستان‌هایی که شاید عنوان «خیابان» محلی برای رویارویی و تضارب بنگرد و خواننده خود را با داستان و ابزار آن به کف خیابان ببرد. خیابانی که برسد، نویسنده با استفاده از این موقعیت مکانی تلاش کرده داستانی از یطن تاریخ برای مخاطب امروز برسد.

سعید احمدیه

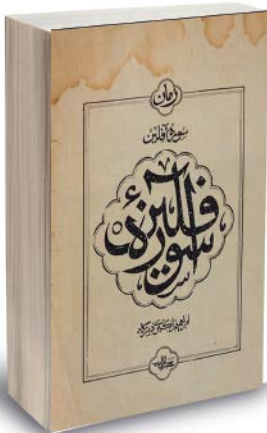
روزنامه‌نگار

روایت یک شب تاریخی

ابراهیم اکبری دیزگاه را باید نویسنده آینده‌دار ادبیات ایران دانست؛ نویسنده‌ای که تفکر و تعمق، ویژگی او و آثارش است و در صورت ادامه این مسیر، می‌توان انتظار نویسنده جدی، خوش قلم و خوشفکری داشت. آثاری که از او تاکنون منتشر شده نیز گواه این مساله است که او تلاش می‌کند از زاویه‌ای دیگر به ماجرا بنگرد و از این منظر آثاری که تولید می‌کند در موقعیتی تازه قرار دارد. او را نیز باید از نسل نویسندگان پس از انقلاب برشمرد و تاکید کرد که مواجهه با آثار اکبری دیزگاه، همراه با تامل و تعمق است و رویارو شدن بدون اندیشه با آنها حاصلی برای مخاطب نخواهد داشت.

«سوره آقلین» تازه‌ترین اثری است که از این نویسنده راهی بازار نشر شده است. اثری که بن‌مایه‌های قرآنی و اساطیری آن غنی است و خواننده در اولین برخورد با اثر این نکات را به‌خوبی درک می‌کند. قصه سراسر در خیابان روی می‌دهد و از این حیث باید آن را اثری متفاوت و تازه در این فضا تلقی کرد. دیزگاه در رمانش کوشش می‌کند تکتیری که شاید در روایت‌های پیش از این دیده نشده را در کنار هم قرار دهد و تصویری از انقلاب و مبارزات بسازد که کمتر دیده‌شده و شاید تاکنون این‌طور دیده نشده است. دیزگاه در سوره آقلین تلاش می‌کند در خیابان‌ها انقلاب را روایت کند و در این ماجرا نیز موفق است و خواننده را پابه‌پای شخصیت

داستانش در تاریکی شب دوازده بهمن در خیابان‌ها می‌چرخاند تا نشانش دهد که انقلاب محصول صداهای مختلف است و تک‌صدایی در آن جایی نداشته است. روایت دیزگاه در این اثر به قدری جذاب است که با وجود تکرار برخی تمهیدات، ولی خواننده ترجیح می‌دهد تا پایان با کتاب همراه شود و به پایان کار نزدیک شود. این رمان که تاملات نویسنده در آن آشکارا به چشم می‌آید اثری است که می‌تواند تصویری تازه از مبارزات و اتفاقات منتهی به انقلاب را در یک شب برای خواننده بازگو کند.



روشنفکری در خیابان

محمدرضا شرفی خبوشان را باید از نویسنده‌هایی دانست که از نسل نویسنده‌های پس از انقلاب است و در این مسیر نیز رشد و نمو یافته است. او که با آثار مختلفی در بازار کتاب و محافل ادبی ظاهر شده، توانسته رضایت مخاطبان خود را کسب و آنها را به دنبال کردن آثارش ترغیب کند.

رمان «عاشقی به سبک ون گوگ» را بسیاری ستایش کرده‌اند. حتی در جایزه جلال آل احمد هم نامزد شده بود. رمانی که قصه یک جریان را از دل یک شخصیت بیرون می‌کشد. جریان روشنفکری در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ آن چیزی است که از دل شخصیت «البرز» بیرون می‌آید و خواننده خود را از منظر البرز در دل یک جریان می‌بیند. قصه این رمان همان‌طور که گفته شد، ماجرای پسری با نام البرز است که در خانه یکی از فرماندهان ارتش شاهنشاهی به‌عنوان فرزند خدمتکار بزرگ شده و با دختر تیمسار به نام نازلی همبازی بوده است. او ابتدای رمان به خاطر نازلی دست به کاری زده که کمی خلاف عادت است، ولی همین موجب می‌شود خواننده ترغیب شود تا سر از کار البرز در بیاورد. قصه در موقعیتی متفاوت رقم می‌خورد. از لانه یک سگ آغاز می‌شود و به کف خیابان کشیده می‌شود. اجزای قصه در کنار هم کار می‌کنند و خواننده در سراسر متن خود را در موقعیت اتفاقات می‌بیند. در واقع می‌توان گفت شخصیت اصلی در طول داستان از پله‌ای که با عنوان هنر دور خود پیچیده خارج می‌شود و وارد فضای واقعی جامعه می‌شود و نشان می‌دهد که اغلب هنرمندان و روشنفکران جامعه عصر پهلوی از واقعیت‌های جامعه خود دور بوده و درک و تفسیر درستی از حوادث ندارند.



عاشقانه انقلابی از کوچه‌های مشهد

سعید تشکری، نویسنده مشهدی، حتما معرف حضور بسیاری از علاقه‌مندان به داستان فارسی است. نویسنده‌ای که آثارش مانند کبوتران حرم امام رضا (ع) حول گنبد و بارگاه این امام می‌چرخد و کمتر اثری از این نویسنده می‌توان یافت که در جغرافیایی خارج از جغرافیای خراسان روی داده باشد. آثاری که بخش زیادی از آنها ارتباط مستقیم با امام هشتم (ع) دارد و بخشی نیز در این شهر روی می‌دهد.

«مفتون و فیروزه» یکی از آثار موفق این سال‌ها در روایت انقلاب اسلامی و مبارزات منتهی به پیروزی آن است. اثری که با محوریت شهرهای مشهد و قوچان نوشته شده و مانند یک فیلم سینمایی صحنه به صحنه خواننده را درگیر می‌کند. کتاب با تمی عاشقانه خواننده را درگیر اتفاقات خود می‌کند و او را به هزارتوی قصه‌هایش می‌کشاند. آنچه در این رمان سعید تشکری بعد از مبارزات و حضور مردمی پررنگ است، همین قصه‌های عاشقانه و شرح دلدادگی شخصیت‌های داستان است. تشکری در این رمان روایت استاد و شاگرد را بازگو کرده است، شاگردی که سیدعلی است و استادی که آقاروح.... خواننده در این اثر با نثری شاعرانه و موجز روبه‌روست و همین سبب می‌شود با وجود این‌که با یک اثر بیش از هزار صفحه‌ای مواجهیم اما مطالعه و خواندن آن زمان زیادی نگیرد و سرعت کار بر حجم کتاب غلبه کند و خواننده را در دنبال کردن اتفاقات ترغیب کند. این در واقع نکته کلیدی است که می‌توان گفت رمز موفقیت این اثر و دیگر آثار نویسنده است.

تشکری در این رمان که بخش زیادی از آن در خیابان‌های مشهد روی می‌دهد مانند یک تاریخ شفاهی شهری عمل کرده و هر خواننده‌ای را کنجکاوی می‌کند تا موقعیت‌های داستان را در شهر مشهد پیدا کند و ببیند بعد از ۴۰ سال چه تغییراتی کرده و همراه با رهبران انقلابی این شهر خواننده را در بطن مبارزات قرار می‌دهد. رمانی که در زمان انتشار از سوی مخاطبان و کارشناسان مورد تحسین قرار گرفت. اثری که در آن خواننده صدای انقلاب ایران را از لابه‌لای صفحاتش می‌شنود.

